

عیسی مسیح

مهمترین سوالی که برای هر شخص مطرح می شود این است که، عیسی مسیح کیست؟ جالب است که عیسی بیشتر ایام خدمتش را در تعلیم شاگردان برای پاسخ به این سوال گذراند. او اول کار به آنها نگفت "من پسر خدا هستم" بلکه از آنها دعوت کرد تا "به دنبال او بروند" و هنگامیکه از او پرسیدند در کجا زندگی میکنی به آنها جواب داد "بیایید و ببینید!" در انجیل مرقس فصل ۳ آیه ۱۳ میخوانیم: "اشخاصی را که می خواست پیش خود خواند تا با وی بمانند".

حدوداً برای سه سال و نیم با آنها زندگی کرد و آنها را تعلیم داد. او در حضور آنها معجزات بسیاری انجام داد. شاگردان به آهستگی، اما بطور یقین، درک کردند که عیسی در واقع که بود. در انجیل متی فصل شانزدهم، آیات ۱۳ تا ۱۶ نوشته شده است که "چون عیسی به نواحی قیصریه فیلیپس رسید، از شاگردان خود پرسید: «به گفته مردم، پسر انسان کیست؟» آنان پاسخ دادند: «برخی می گویند یحیای تعمید دهنده است. بعضی دیگر می گویند الیاس، و عده ای نیز می گویند ارمیا یا یکی از پیامبران است.» عیسی پرسید: «شما چه می گویند؟ به نظر شما من که هستم؟» شمعون پطرس پاسخ داد: «تو مسیح، پسر خدای زنده هستی!»

عیسی، پسر خدا نجات دهنده

اعتراف پطرس این بود که عیسی، مسیح و پسر خدای زنده است. در آن ایام نام هر کس معنی خاصی داشت. عیسی به معنی نجات دهنده و مسیح به معنی مسح شده می باشد. (مسح شده یعنی جدا شده برای خدمتی مقدس). بنابراین، عیسی مسیح بوسیله خدا مسح شده که نجات دهنده بشر باشد.

در فصل اول انجیل یوحنا عیسی "کلمه" خدا خوانده شده است. در آیات ۱ تا ۳ نوشته شده است که "در ازل کلمه بود. کلمه با خدا بود و کلمه خود خدا بود. همه چیز به وسیله او هستی یافت و بدون او چیزی آفریده نشد". سپس در آیه ۱۴ میخوانیم "کلمه انسان شد و در میان ما ساکن گردید. ما شکوه و جلالش را دیدیم، شکوه و جلالی شایسته فرزند یگانه پدر و پر از فیض و راستی". این آیات به ما می آموزند که عیسی قبل از تولد از مریم وجود داشته است و در واقع جاودانی بوده است. (یوحنا ۱، ۱) بلی، عیسی کلمه ازلی، خدا است که جسم گرفته و در میان ما زندگی کرده است.

نقش عیسی در آفرینش

در فصل اول یوحنا آیه ۳ خواندیم که "همه چیز به وسیله او هستی یافت و بدون او چیزی آفریده نشد". می بینیم که کلمه که بعداً جسم پوشید، آفریننده همه چیز بود.

بر اساس رساله پولس به کولسیان فصل یک آیه ۱۶ " همه چیز به واسطه او آفریده شد: آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است، دیدنیها و نادیدنیها، تختها و فرمانرواییها، ریاستها و قدرتها؛ همه موجودات به واسطه او و برای او آفریده شدند." خدای واحد و یکتا که پدر و پسر و روح القدس است خالق همه چیز می باشد. در واقع خدای پدر و "کلمه" که همان عیسی مسیح است و روح القدس در کار آفرینش سهیم بوده اند.

عیسی قبل از تولدش

در انجیل یوحنا فصل ۱۷ آیه ۵ می بینیم که عیسی در دعا به پدر آسمانی خود گفت: "اکنون ای پدر، مرا در پیشگاه خود جلال بده همان جلالی که پیش از آفرینش جهان در نزد تو داشتم." این آیه به ما میگوید که عیسی مسیح قبل از تولدش و قبل از آفرینش جهان وجود داشته و دارای جلال بوده است.

عیسی خداست

در تیطس ۲، ۱۳ نوشته شده: "در عین حال در انتظار امید متبارک خود، یعنی ظهور خدای بزرگ و نجات دهنده ما عیسی مسیح باشیم." در اینجا می بینیم که عیسی "خدای بزرگ" و "نجات دهنده" خوانده شده است.

پولس رسول این حقیقت را در سایر رسالاتش بسط می دهد. در کولسیان ۱، ۱۵-۱۷ می بینیم که "صورت خدای نادیده است و فرزند ارشد بر تمامی آفرینش، زیرا همه چیز به واسطه او آفریده شد: آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است، دیدنیها و نادیدنیها، تختها و فرمانرواییها، ریاستها و قدرتها؛ همه موجودات به واسطه او و برای او آفریده شدند. او پیش از همه چیز وجود داشته، و همه چیز بوسیله او بهم می پیوندد و مربوط می شود."

عیسی مسیح چهره دیدنی خدای نادیده و خالق عالم است. او نه تنها نجات دهنده، بلکه خود خدا هست. در عبرانیان ۱، ۸-۹ میخوانیم " دربارہ پسر می گوید: «تخت سلطنت تو، ای خدا، تا ابد پایدار خواهد ماند، و عدالت، عصای پادشاهی تو خواهد بود. تو درستکاری را دوست داشته و از نادرستی بیزار بوده‌ای؛ پس خدا، خدای تو، تو را باروغن شادمانی مسح کرده، و این گونه تو را مقامی والاتر از هم قطارانت بخشیده است.» در اینجا علاوه بر خدا بودن، به انسان بودن عیسی نیز اشاره شده است.

اینک برایمان سوالی مطرح می شود: اگر عیسی خدا است و قبل از تولد از مریم وجود داشته، پس چطور انسان گردیده است؟ در انجیل لوقا ۱، ۲۶-۲۷. ۳۱-۳۵ می خوانیم: " در ماه ششم، جبرائیل فرشته از جانب خدا به شهری در جلیل فرستاده شد که ناصره نام داشت، تا نزد باکره‌ای مریم نام برود." جبرائیل فرشته به مریم می گوید: «اینک آبستن شده، پسری خواهی زایید که باید نامش را عیسی

بگذاری. او بزرگ خواهد بود و پسر خدای متعال خوانده خواهد شد. خداوند خدا تخت پادشاهی جدش داوود را به او عطا خواهد فرمود. او تا ابد بر خاندان یعقوب سلطنت خواهد کرد و پادشاهی او را هرگز زوالی نخواهد بود.» مریم از فرشته پرسید: «این چگونه ممکن است، زیرا من با مردی رابطه نداشته‌ام؟» فرشته پاسخ داد: «روح‌القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند. از این رو، آن مولود مقدس و پسر خدا خوانده خواهد شد.»

با خواندن این آیه درک می‌کنیم که با نزول روح القدس مریم آبستن گردیده. به این ترتیب عیسی مادر جسمانی داشت اما پدر جسمانی نداشت! موضوع جالب دیگر این است که، از نقطه نظر کتاب مقدس انسان معمولی از نسل مرد می‌باشد، اما عیسی بر خلاف تمام انسانها از نسل زن میباشد! در اولین پیشگویی کتاب مقدس، پیدایش ۳، ۱۵، می‌خوانیم که خدا قول داد که بوسیله نسل زن، سر آن مار قدیمی یعنی شیطان کوبیده می‌شود. این پیشگویی کتاب مقدس درباره آمدن عیسی و پیروزی او بر شیطان بود.

عیسی، انسان کامل

پس اینک به این نتیجه میرسیم که هنگامیکه راجع به عیسی مسیح صحبت می‌کنیم نمی‌توانیم او را فقط به عنوان خدا معرفی کنیم چون او علاوه بر اینکه خداست انسان نیز هست. همانطور که رساله به رومیان ۱، ۳ به ما میگوید " او از لحاظ انسانیت یکی از فرزندان داوود بود." پس این به آن معنی است که عیسی خدای کامل بود و انسان کامل شد و از آنجاییکه انسان است دارای روح، جان و بدن می‌باشد.

رسولان و تعداد بیشماری از مردم آن دوره کلام حیات را که در جسم ظاهر شد دیدند، تعالیمش را شنیدند و با دستهای خود او را لمس کردند و شاهدان عینی این حقیقت میباشند. (ر.ک. نامه اول یوحنا ۱، ۱-۴)

در رساله به عبرانیان فصل ۲ آیه ۱۴ نوشته شده است که: " او نیز جسم و خون گرفت و انسان گردید تا بوسیله مرگ خود ابلیس را که بر مرگ قدرت دارد نابود سازد." و در متی ۲۶، ۱۲ می‌خوانیم که عیسی چنین می‌گوید: " او با ریختن این عطر بر بدن من، مرا برای تدفین آماده ساخته است."

این آیات به خوبی بیان می‌کنند که عیسی از بدن انسانی برخوردار بود. البته علاوه بر بدن انسانی از جان و روح نیز برخوردار است. در متی ۲۶، ۳۸ می‌خوانیم که عیسی فرمود "جان من از شدت غم نزدیک به مرگ است و نیز هنگامیکه بر روی صلیب بود با فریادی بلند فرمود "ای پدر، روح خود را به تو تسلیم میکنم". (لوقا ۲۳، ۴۶) بنابراین از کلام خدا می‌آموزیم که عیسی مسیح یک وجود کامل انسانی است زیرا مثل هر انسان دارای روح و جان و بدن است. همچنین در انجیل می‌بینیم که عیسی نیز مانند هر انسان دیگری "گرسنه شد"

(متی ۴، ۲)، "تشنه شد" (یوحنا ۱۹، ۲۸)، "خسته شد" (یوحنا ۴، ۶)، "در خواب بود" (متی ۸، ۲۴)، "گریه کرد" (یوحنا ۱۱، ۳۵) و "غم و اندوه بر او مستولی شد" (متی ۲۶، ۳۷).

ضمناً این را نیز باید اضافه کرد که عیسی مسیح در طول زندگی بشری خود وسوسه شد، اما هرگز تسلیم وسوسه نگردید و گناه نکرد (عبرانیان ۴، ۱۵). این مطلب مهم که عیسی انسان واقعی بود اما بدون گناه، او را واجد شرایط می ساخت که در راه بشر گناهکار قربانی بشود. از آنجاییکه عیسی خدا بود مرگ او بینهایت ارزش داشت. خدا بودن و انسان بودن عیسی هر دو اهمیت زیادی دارد و نباید هیچیک نادیده گرفته بشود. اگر عیسی خدای کامل نبود مرگ او به هیچ وجه چاره گناه بشر را نمی کرد و اگر عیسی انسان کامل نبود به هیچ وجه نمی توانست به خاطر گناهان بشر بمیرد.

در عهد جدید اشارات بسیاری به این واقعیت وجود دارد. ما فقط به یکی از آنها نگاه می کنیم. پولس رسول در خداحافظی با رهبران کلیسای افسس به آنها گفت: "مواظب خود و مواظب آن گله ای باشید که روح القدس شما را به نظارت آن برگزیده است و چون شبانان کلیسایی را که خداوند با خون خود خریده است پرورش دهید." (اعمال ۲۰، ۲۸)

عیسی، فدیة برای بسیاری

در بالا در مورد شخصیت یگانه عیسی مسیح که از دو طبیعت کامل الهی و انسانی برخوردار است صحبت کردیم و به طور خلاصه گفتیم که عیسی مسیح خدای کامل و انسان کامل است. حال می خواهیم از خود بپرسیم "چرا عیسی به جهان آمد؟"

پولس رسول در رساله خود به فیلیپیان فصل ۲ آیات ۵ تا ۸ دلیل آمدن عیسی را به این جهان به این صورت تشریح می کند: "کلام خدا به مسیحیان می فرماید: طرز تفکر شما درباره زندگی باید مانند طرز تفکر مسیح عیسی باشد. اگرچه او از ازل دارای الوهیت بود ولی این را غنیمت نشمرد که برابری با خدا را به هر قیمتی حفظ کند، بلکه خود را از تمام مزایای آن محروم نمود بصورت یک غلام در آمد و شبیه انسان شد. چون او به شکل انسان در میان ما ظاهر گشت، خود را پست تر ساخت و از روی اطاعت حاضر شد مرگ، حتی مرگ بر روی صلیب را بپذیرد." از این بخش می فهمیم که عیسی آمد تا در اطاعت از خدای پدر بر روی صلیب بمیرد.

مرقس نیز در هشت فصل اول انجیل خود به تدریج آشکار می نماید که عیسی مسیح کیست. در ضمن در فصل هشتم آیه ۲۹ مشاهده می کنیم که عیسی از شاگردان خود می پرسد: "به عقیده شما من کی هستم؟" و پطرس جواب می دهد: "تو مسیح هستی". بعد از این، عیسی به شاگردانش به طور واضح میگوید که چرا

او به جهان آمده است: "آنگاه عیسی به تعلیم ایشان پرداخت و گفت: لازم است پسر انسان متحمل رنج های زیادی شده و بوسیله رهبران و سران کاهنان و ملایان یهود طرد و کشته شود و پس از سه روز زنده گردد".

در عین حال در فصل دهم انجیل مرقس آیه ۴۵ می خوانیم که عیسی به شاگردان خود فرمود: "پسر انسان نیامده است تا مخدوم شود بلکه تا به دیگران خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد". بر اساس این آیه جان عیسی فدیة ای بود که بایستی در راه بسیاری داده می شد.

"فدیة" بهایی است که برای آزاد ساختن شخصی یا ملکی باید داده شود. در زمینه موضوع مورد بحث ما، فدیة بهایی است برای رهایی گناهکار از تقصیر و مجازات و اسارت گناه داده شده است.

پولس رسول در فصل پنجم رساله خود به رومیان به طور آشکار به ما می گوید که این فدیة برای چه کسانی داده شده است. در عین حال در رساله اول یوحنا فصل دوم آیه ۲ نوشته شده است که "خود مسیح کفارہ گناهان ماست، نه تنها گناهان ما بلکه گناهان تمام مردم دنیا". یعنی عیسی مسیح بخاطر ما مرد و خود او برطرف کننده گناهان ماست. این فدیة بی نظیر آنقدر با ارزش است که می تواند هر جانی را از زمان آدم تا پایان دنیا نجات بدهد. چون خدا در جسم ظاهر شد و به خاطر گناهان ما مرد به همین خاطر این قربانی می تواند هر گناهی را بر طرف کند.

از آیات ۹-۱۰ و ۱۴-۱۶ فصل دوم رساله به رومیان می فهمیم که این فدیة برای بشر بوده و نه برای فرشتگان و فقط تعلق به مسیح به ما این اجازه را می دهد تا از این لطف بزرگ بر خوردار گردیم (غلاطیان ۳، ۲۹) زیرا اشخاصی که به مسیح ایمان دارند با ابراهیم هم ایمان هستند و نسل روحانی او محسوب می شوند. عهد جدید این مطلب را روشن می کند که عیسی از طریق مرگ خود بهای رهایی ما را از گناه داده است، اما ما باید شخصاً به عیسی ایمان بیاوریم تا فدیة او برایمان موثر واقع بشود. یوحنا درباره عیسی نوشت: "او به قلمرو خود آمد ولی متعلقانش او را قبول نکردند، اما به همه کسانی که او را قبول کردند و به او ایمان آوردند این امتیاز را داد که فرزندان خدا شوند" (یوحنا ۱، ۱۱-۱۳).

اینک سوالی که برایمان مطرح می شود این است که "چرا عیسی باید برای نجات بشر میمرد؟" در کتاب پیدایش فصل دوم می خوانیم که خدا پس از اینکه آدم را خلق کرد او را در باغ عدن قرار داد و به او امر فرمود که از همه درختان باغ بی ممانعت بخور، اما از درخت معرفت نیک و بد زهار نخور زیرا روزی که از آن بخوری خواهی مرد!

ما میدانیم که آدم از گفته خدا اطاعت ننمود و این بی اطاعتی از خدا به مرگ او منتهی شد. هنگامیکه مرتکب گناه شد در دم از لحاظ روحانی مرد و بعداً مرگ

جسمانی نیز به سراغش آمد. در فصل سوم کتاب پیدایش می خوانیم که وقتی آدم مرتکب گناه شد بلافاصله از خدا که سرچشمه حیات است جدا گردید و از ترسش خود را از خدا پنهان ساخت. اما با وجود این خدا به جستجوی او می آید و او را صدا کرده میگوید "کجا هستی؟!" در حقیقت خدا می دانست که آدم کجا بود اما او می خواست که آدم خودش متوجه شود و اعتراف کند که در کجاست، یعنی معترف بشود که بخاطر گناه جدا از خدا به سر می برد. و چون خدا منشاء حیات است پس نتیجه جدایی از او مرگ است.

از آنجاییکه آدم سر نژاد انسانی بود وقتی او گناه کرد گناه به نژاد انسانی سرایت کرد و در نتیجه مرگ تمام بشریت را در بر گرفت. این حقیقت را در رساله پولس به رومیان فصل ۵ آیه ۱۲ می خوانیم "گناه بوسیله یک انسان به جهان وارد شد و این گناه مرگ را به همراه آورد. در نتیجه چون همه گناه کردند مرگ همه را در بر گرفت." به این خاطر مرگ عیسی به منظور پرداخت جریمه گناه بشر، ضروری بود.

خدا در عهد قدیم به قوم خود فرمود: "جان هر موجود زنده ای در خون اوست و من آن را به شما داده ام که برای کفاره گناهان خود در قربانگاه بریزید تا گناهان شما پاک گردد. خونی که در آن حیات است، گناهان را پاک می کند." (لاویان ۱۷،

(۱۱)

در انجیل یوحنا فصل ۱۰ آیات ۱۷ و ۱۸ می بینیم که عیسی فرمود "پدرم مرا دوست دارد زیرا من جان خود را فدا می کنم تا آن را بار دیگر بازیابم. هیچکس جان مرا از من نمی گیرد، من به میل خود آن را فدا می کنم. اختیار دارم آن را فدا سازم و اختیار دارم آن را باز به دست آورم. پدر این دستور را به من داده است." عیسی نه از روی اجبار بلکه داوطلبانه جان خود را در راه ما داد و پس از مرگ دوباره زنده شد.

در رومیان ۵، ۱۸-۱۹ می خوانیم که نتیجه فدیة عیسی مسیح نیک محسوب شدن ایمانداران میباشد: "پس همانطور که یک گناه موجب محکومیت همه آدمیان شد یک عمل کاملاً نیک نیز باعث تبرئه و حیات همه می باشد. و چنانکه بسیاری در نتیجه سرپیچی یک نفر، گناهکار گشتند به همان طریق بسیاری هم در نتیجه فرمانبری یک نفر، کاملاً نیک محسوب خواهند شد."

عیسی مسیح که پاک و مقدس بود و هیچ گناهی مرتکب نشد از طریق مرگ خود جریمه گناهان ما را پرداخت. "او به خاطر گناهان ما تسلیم به مرگ گردید و زنده شد تا ما در پیشگاه خدا کاملاً نیک محسوب شویم." (رومیان ۴، ۲۵)

رستاخیز و صعود عیسی مسیح

انجیل، مژده و خبر خوشی که شاگردان عیسی به همه اعلام می کنند رستاخیز و قیام جسمی عیسی مسیح پس از مرگ، از میان مردگان می باشد. این حقیقت مهم

اساس و زیر بنای ایمان مسیحیان هست. عیسی بعد از قیامش، با همین بدن به آسمان صعود نمود و بر دست راست خدا نشست است. بعضی ها فکر می کنند که عیسی بعد از مرگ فقط از لحاظ روحانی زنده شده و قیام او صرفاً روحانی بود! این فکر اشتباه است، چون کتاب مقدس به روشنی تعلیم می دهد که عیسی پس از مرگ با بدن جسمانی زنده شده.

در انجیل لوقا فصل ۲۴ آیات ۳۶-۴۳ میخوانیم که " شاگردان هنوز درباره قیام عیسی گفتگو می کردند که خود در میانشان ایستاد و گفت: «سلام بر شما باد!» حیران و ترسان، پنداشتند شبحی می بینند. به آنان گفت: «چرا این چنین مضطربید؟ چرا شک و تردید به دل راه می دهید؟ دست و پایم را بنگرید. خودم هستم! به من دست بزنید و ببینید؛ شبح گوشت و استخوان ندارد، اما چنانکه می بینید من دارم!» این را گفت و دستها و پاهای خود را به ایشان نشان داد. آنها از فرط شادی و حیرت نمی توانستند باور کنند. پس به ایشان گفت: «چیزی برای خوردن دارید؟» تکه ای ماهی بریان به او دادند. آن را گرفت و در برابر چشمان ایشان خورد." بنابراین قیام عیسی جسمانی بود و او بدن واقعی داشت.

در مورد صعود جسمانی عیسی به آسمان نیز می خواهیم به فصل یک کتاب اعمال رسولان آیات ۹ تا ۱۱ مراجعه کنیم: "ای مردان جلیلی، چرا اینجا ایستاده اید و به آسمان نگاه می کنید؟ همین عیسی که از پیش شما به بالا برده شد، همانطور که بالا رفت و شما دیدید، دوباره به همین طریق باز خواهد گشت."

پطرس رسول در روز پنطیکاست با صدای بلند در مقابل مردم می گوید " حال که عیسی به دست راست خدا بالا برده شده روح القدس موعود را از پدر یافته و به ما افاضه کرده است، شما این چیزها را می بینید و می شنوید." (اعمال ۲، ۳۳)

این مطلب که جایگاه عیسی در دست راست خدا است از اهمیت زیادی برخوردار است. در دست راست خدا بودن یعنی اختیار و اقتدار کامل داشتن بر آسمان و بر زمین. بنابراین عیسی که در آسمان در دست راست خدا قرار دارد خداوند است. او خداوند آسمان و خداوند زمین است. خدای پدر تمام اختیارات آفرینش را به عیسی سپرده است.

در حال حاضر عیسی نه فقط به عنوان خداوند و سر کلیسا ایماندارانش را در جهان رهبری می کند، بلکه او کاهن اعظم کلیسا است. او بعنوان کاهن اعظم ایمانداران خود در آسمان، چهار کار مختلف را بعهد گرفته است:

الف) مکانی برای ما مهیا می کند

یکی از پر ارزش ترین وعده های کلام خدا در انجیل یوحنا فصل چهاردهم یافت می شود. عیسی هنگامیکه با شاگردانش سخن می گفت، به آنان فرمود: "دلهای شما مضطرب نشود. به خدا توکل نمایید، به من نیز ایمان داشته باشید. در خانه پدر

من منزلهای بسیاری هست. اگر چنین نبود به شما می گفتم. من می روم تا مکانی برای شما آماده سازم. پس از اینکه رفتم و مکانی برای شما آماده ساختم دوباره می آیم و شما را پیش خود می برم تا جاییکه من هستم شما نیز باشید." (یوحنا ۱۴، ۱-۳) عیسی برای ما مکانی در نزد خود آماده می کند.

ب) پیشرو ما می باشد

عیسی نه فقط به آسمان رفت تا مکانی برای ایمانداران خود مهیا کند، بلکه براساس رساله به عبرانیان او بعنوان پیشرو ایماندارانش، به آسمان رفت. " این امید، به منزله لنگری محکم و ایمن برای جان ماست، امیدی که به محراب پشت پرده راه می یابد، جایی که عیسی چون پیشرو ما، و به نمایندگی از ما داخل شد؛ همان که جاودانه کاهن اعظم شده است، از مرتبه ملکِصِدِق."

ج) پشتیبان و شفیع ما در آسمان

کار دیگر مسیح در مقام کاهن اعظم این است که نزد پدر آسمانی از ایمانداران خود پشتیبانی می کند. یعنی او مدافع ما نزد خدای پدر است. در رساله پولس به رومیان فصل هشتم آیات ۳۱-۳۲ نوشته شده است که "اگر خدا پشتیبان ماست، کیست که بر ضد ما باشد؟ آیا خدایی که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راه همه ما تسلیم کرد، با بخشیدن او همه چیز را با سخاوتمندی به ما نمی بخشد؟" و نیز در رساله اول یوحنا فصل دوم آیه ۱ و ۲ چنین میخوانیم: "ای فرزندان من، این را به شما می نویسم تا گناه نکنید، اما اگر کسی مرتکب گناهی شود در پیشگاه خدای پدر کسی را داریم که برای ما شفاعت می کند همان عیسی مسیح که کاملاً نیکوست، زیرا خود مسیح کفار گناهان ماست. نه تنها گناهان ما بلکه گناهان همه مردم دنیا."

د) عیسی واسطه ما

یکی دیگر از کارهاییکه عیسی در مقام کاهن اعظم برای ایماندارانش انجام می دهد این است که برای آنها وساطت می کند. اصولاً کار واسطه این است که طرفین نزاع را پیش هم می آورد تا اختلافشان بر طرف شود. در این زمینه عیسی واسطه ما است و این موضوع را در رساله اول تیموتائوس فصل دوم آیه ۵-۶ می خوانیم: "زیرا یک خدا و یک واسطه بین خدا و انسان وجود دارد. یعنی شخص عیسی مسیح که جان خود را بعنوان کفار در راه همه داد و به این ترتیب در زمان مناسب این حقیقت به ثبوت رسید."

عیسی

۱. خود را پسر خدا اعلام نمود: متی ۱۰، ۳۲-۳۳: مرقس ۱۴، ۶۱-۶۲: لوقا ۲۲، ۶۶-۷۰: یوحنا ۲، ۱۶: یوحنا ۳، ۱۶، ۱۸، ۳۵، ۳۶: یوحنا ۵، ۱۹، ۲۱-۲۳، ۲۵-۲۸: یوحنا ۶، ۴۰: یوحنا ۸، ۲۷: یوحنا ۹، ۳۵: یوحنا ۱۰، ۳۶: یوحنا ۱۴، ۱۲-۱۳: یوحنا ۱۷، ۱.

۲. او را پسر خدا اعلام کردند:

- خدای پدر در هنگام تعمیش در رودخانه اردن: متی ۳، ۱۷: مرقس ۱، ۱۱: لوقا ۳، ۲۲.
- خدای پدر در هنگام تبدیل هیئت عیسی: متی ۱۷، ۵: مرقس ۹، ۷: لوقا ۹، ۳۵.
- یحیی تعمید دهنده: یوحنا ۱، ۳۴.

بر طبق طرز فکر و عقیده یهودیان "پسر خدا" یعنی:

+ عیسی صورت و مظهر پدر میباشد (فیلیپیان ۲، ۶-۷: کولسیان ۱، ۱۵)
+ در عیسی حیات خداوند موجود است (یوحنا ۳، ۱۳: ۵، ۲۶)
+ تمام زندگی عیسی به پدر بستگی دارد (یوحنا ۳، ۳۴: ۵، ۱۹-۲۰، ۳۰: ۶، ۳۸، ۵۷: ۸، ۲۸-۲۹: ۱۰، ۳۲)

* پسر

حقوق ویژه الهی را صاحب میباشد:

- قبل از آفرینش بوده است: یوحنا ۱، ۱-۱۸: کولسیان ۱، ۱۵: افسسیان ۱، ۳-۱۴: یوحنا ۸، ۵۶-۵۸
- با پدر یکی هست: یوحنا ۱۰، ۳۰: ۱۲، ۴۴: ۱۴، ۱۰-۱۱، ۲۰: ۱۷، ۱۵
- آفریننده: اعمال ۳، ۱۵-۱۶: کولسیان ۱، ۱۶
- سرور و خدای عالم: متی ۱۲، ۸-۱: لوقا ۷، ۱۴: اعمال ۱۰، ۳۴-۳۶
- قانون گذار عالی: متی ۵، ۱۷-۴۸
- بخشاننده گناهان: مرقس ۲، ۵-۱۱: لوقا ۵، ۱۷-۲۴: اعمال ۱۳، ۳۸-۳۹
- قاضی اعظم: متی ۲۵، ۳۱
- حیات بخش به مردگان: یوحنا ۱۱: متی ۹، ۱۸-۲۶: مرقس ۵، ۲۱-۴۳: لوقا ۷، ۱۱: ۸، ۴۹-۵۶

* به این خاطر مسیحیان عیسی را خدا خطاب مینمایند

رومیان ۹، ۵: تیتوس ۲، ۱۳: یوحنا ۱، ۱-۱۸: ۸، ۵۸: یوحنا ۵، ۲۰.

